



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نزول قرآن

تاریخ: ۴ دیماه ۸۹

موضوع جزئی: نزول تدریجی قرآن

مصادف با: ۱۹ محرم الحرام ۱۴۳۲

جلسه: ۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

اسباب النزول:

مقدمه: نزول تدریجی قرآن

بحث اولی که مطرح کردیم بحث از وحیانی بودن الفاظ قرآن بود، اجمالاً این بحث و ادله مثبتین و منکرین این بحث را ذکر کردیم. بحث دوم از مباحثی که به عنوان مقدمات تفسیر شناخته میشود و تأثیر مهم در تفسیر دارد، بحث از اسباب نزول یا شأن نزول است.

از باب مقدمه عرض میکنیم که در بین کتب آسمانی، قرآن از جهت نزول تدریجی، ممتاز است یعنی صحف ابراهیم، الواح موسی و سایر کتب آسمانی، همه یکجا نازل شدهاند اما قرآن به صورت تدریجی نازل شده و این مطلب، مورد اتفاق است و بر همین اساس بود که مشرکان به عیبجویی پرداختند و گفتند چرا قرآن یکجا بر پیامبر نازل نشده است. «وقال الذین کفروا لولا نزل علیه القرآن جملة واحدة»^۱ البته از این اشکال جواب داده شده که در بحث نزول تدریجی قرآن به آن اشاره خواهیم کرد ولی اصل اینکه قرآن به صورت تدریجی نازل شده مورد اتفاق است و خود قرآن هم به این مسئله اشاره دارد و شواهدی هم در قرآن وجود دارد از جمله آیه شریفهای که عرض شد که مورد اعتراض کفار هم قرار گرفته است. این نزول تدریجی در طول بیست و سه سال در مکه و مدینه و به مناسبتهای مختلف صورت گرفته که یا به صورت آیه آیه و یا به صورت سوره نازل شده است. در این مدت هر گاه مسائلهای پیش میآمد و یا مشکلی برای مسلمین ایجاد میشد برای راهنمایی و رفع آن مشکل، آیات الهی نازل میشد.

تعریف اسباب النزول:

پس به طور کلی سبب نزول یا شأن نزول عبارت است از: حوادث و مناسبتها و پیش آمدهائی که باعث نزول آیاتی از قرآن یا سورههای از قرآن شده است. اکثر مفسرین قائلند به اینکه بین شأن نزول و سبب نزول فرقی وجود ندارد و گفتهاند شأن نزول و سبب نزول عبارتند از: مناسبتهایی که باعث شده آیه یا آیاتی نازل شود.

۱. فرقان، آیه ۳۲.

کلام بعضی از بزرگان در فرق بین سبب نزول و شأن نزول:

بعضی بین شأن نزول و سبب نزول فرق گذاشته‌اند و گفته‌اند: سبب نزول اخص از شأن نزول است، شأن نزول عبارت است از اینکه: اگر به مناسبت یک جریانی درباره یک شخصی یا حادثه‌ای، خواه در گذشته یا حال یا آینده و یا درباره فرض احکام، آیه یا آیاتی نازل شود، همه این موارد را شأن نزول آیه گویند. مثلاً گفته میشود این آیه درباره عصمت انبیاء نازل شده است. اما سبب نزول عبارت است از: حادثه‌ای که متعاقب آن، آیه یا آیاتی نازل شده و آن حادثه باعث نزول آیه گردیده، لذا سبب نزول اخص از شأن نزول است.

در مورد سبب نزول، قائل مدعی است که حادثه‌ای پیش آمده و این حادثه باعث نزول آیه یا آیاتی از قرآن شده اما در شأن نزول اینطور نبوده که الزاماً به دنبال یک حادثه آیه نازل شود، بلکه یک مناسبتی وجود داشته و این مناسبت، یک موضوع کلی بوده و مربوط به یک واقعه در گذشته نیست، یک آیه‌ای را خداوند تبارک و تعالی بیان کرده و این آیه در یک مناسبتی گفته شده اما الزاماً در رابطه با یک حادثه نیست، مثلاً آیات مربوط به عصمت انبیاء، مربوط به یک موضوع کلی که عصمت انبیاء هست میباشد.

اشکال:

به نظر ما این بیان درست نیست و فرقی بین سبب نزول و شأن نزول نیست، چون اگر آیه به مناسبتی نازل شود و موردی برای آن فرض شود، این مورد، مخصص آیه نیست و در آیاتی که سبب نزول یا شأن نزول دارد، یعنی یک موردی برای آیه هست، اینطور نیست که این مورد، موجب تخصیص آیه و حکم موجود در آیه، به آن مورد خاص شود. پس کلیت آیه و حکم موجود در آن با اختصاص آیه به مورد خاص، از بین نمیرود.

سؤال: شاید کسانی که میگویند بین سبب نزول و شأن نزول فرق است خواسته‌اند بگویند که شأن نزول اعم است و کلی است و الزاماً مسبوق به یک حادثه نیست و به عبارتی، توجه داشته‌اند به اینکه مورد، مخصص نیست.

استاد: اینکه مورد، مخصص نیست هم نسبت به شأن نزول و هم نسبت به سبب نزول ثابت است و فارق بین شأن نزول و سبب نزول نمیشود پس فرقی بین سبب نزول و شأن نزول وجود ندارد.

پس به طور کلی معنای سبب نزول و اینکه مراد از سبب نزول چیست روشن شد. اسباب نزول اموری هستند که در کنار نزول تدریجی قرآن معنا پیدا میکنند و اگر نزول قرآن دفعه واحده باشد اسباب نزول معنا ندارد و این نشان دهنده این است که نزول قرآن تدریجی بوده است.

علل تدریج در نزول قرآن:

وجه اول: دلداری و تقویت روحیه پیامبر(ص)

«وقال الذین کفروا لولا نزل علیه القرآن جمله واحده کذا لک لثبّت به فؤادک و رتلناه ترتیلاً»^۱.

۱. فرقان، آیه ۳۲.

وقتی کفار اعتراض میکنند که چرا قرآن یکجا بر پیامبر نازل نشده پاسخ این است که «لثبیت به فؤادک» یعنی به این جهت قرآن به تدریج نازل شده تا برای پیامبر مایه استواری و تثبیت قلب و تقویت روحیه باشد. یعنی برای این بوده که پیامبر همواره احساس کند مورد عنایت و لطف خاص خداوند است و همیشه رابطهایش با خدا برقرار است. پس این تداوم نزول قرآن در طول بیست و سه سال باعث دلگرمی پیامبر میشد.

سؤال: چگونه قائل به نزول تدریجی قرآن هستید درحالی که در قرآن آیاتی وجود دارد از قبیل: «انا انزلناه فی لیلہ القدر»^۱، که دال بر نزول دفعی قرآن میباشد؟

استاد: وجوهی را در پاسخ به این سؤال ذکر کرده‌اند که چون ما فقط متعرض بخشی از علوم قرآن میشویم که دخالت مستقیم در تفسیر دارند نمیخواهیم وارد آن بحث شویم و فقط به یک وجه اشاره میکنیم و آن اینکه: نزول دفعی قرآن در شب قدر، بر قلب پیامبر بوده است ولی به مناسبتهای مختلف قرآن یک نزول تدریجی هم داشته که آیات الهی را پیامبر برای مردم بیان میکرده است. پس نفس دیدار پیامبر با پیک وحی در طول ۲۳ سال و تجدید این دیدار، پیوند بین فرستنده و فرستاده را محکم میکند و پیامبر را در طول این مدت در یک ارتباط دائمی نگه میدارد و باعث نشاط و شادمانی پیامبر میشود. مثلاً نقل میکنند که در ماه رمضان شادمانی پیامبر بیشتر بود وجه آنهم این بوده که در ماه رمضان با جبرئیل بیشتر دیدار داشت. حضور در این دنیا و ضرورت‌هایی که زندگی دنیوی ایجاب میکرد روح و نفس پیامبر را از توجهی که باید نسبت به خدا می داشت جدا میکرد لذا معصومین در دعاهائی که میکنند از گناهان استغفار میکنند. این استغفار از گناه به معنای عصیان نسبت به خدا نیست بلکه به معنای غفلتهائی است که بخاطر زندگی در دنیا بر آنها عارض میشده و ائمه(ع) از آن غفلتها به سوی خدا استغفار میکردند.

سؤال: چرا پیامبر(ص) نیاز به تقویت روحیه داشت؟

استاد: آزار و اذیت کفار و مشرکین از یکطرف و عدم هدایت مردم از طرف دیگر دو عاملی بودند که باعث اندوه و ناراحتی پیامبر شده بود. «و کلاً نقص علیک من انباء الرسل ما نثبت به فؤادک»^۲، «...حتی یقول الرسول والذین ءامنوا معه متی نصرالله...»^۳ که این آیات اشاره دارد به اینکه پیامبر در راه هدایت مردم سختیها و مشقات زیادی را متحمل شده است. «لعلک باخع نفسک علی ءاثارهم ان لم یؤمنوا بهذا الحدیث اسفاً»^۴، در این آیه خداوند به پیامبر تسلی خاطر میدهد و می فرماید: نزدیک است که بخاطر عدم ایمان امتت به قرآن جان عزیزت را هلاک سازی.

۱. قدر، آیه ۱.

۲. هود، آیه ۱۲۰.

۳. بقره، ۱۱۴.

۴. کهف، آیه ۶.

و یا در روایت آمده که: امام حسن یا امام حسین از علی سؤال میکنند: پیامبر را برای من توصیف کنید؟ حضرت میفرماید: پیامبر اینقدر نسبت به مردم دلسوز بود که «فصار أباً لهم»، که علی از پیامبر تعبیر به پدر امت میکند که بهترین تشبیه درباره پیامبر نسبت به امت است.

پس اذیت و آزار کفار و عدم هدایت مردم باعث ناراحتی و اندوه پیامبر شده بود و نزول تدریجی قرآن و ارتباط دائمی پیامبر با خداوند باعث دلداری و تقویت روحیه پیامبر میشد و باعث میشد که ناراحتی پیامبر برطرف شود.

بحث جلسه آینده: بررسی بقیه علل نزول تدریجی قرآن خواهد بود. «والحمد لله رب العالمین»